



دکتر هوشنگ امیراحمدی:

مذاکره با آمریکا بر سر عراق برای ایران خطرناک است

پس از آنکه نامه محمود احمدی‌نژاد به جرج بوش رییس جمهور آمریکا با بی‌اعتنایی مواجه شد، او این بار به مردم آمریکا نامه نوشته و آنها را خطاب قرار داده است. این نامه قرار است امروز در آمریکا منتشر شود. در خصوص تأثیرات احتمالی نامه احمدی‌نژاد بر افکار عمومی در آمریکا، مناسبات دو کشور و چشم‌انداز آن دویچه وله گفتگویی داشت با دکتر هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه و رییس بخش مطالعات خاورمیانه در نیویورک.

مصاحبه: مریم انصاری

دویچه‌وله: آقای امیراحمدی، نامه‌ی محمود احمدی‌نژاد به مردم آمریکا قرار است امروز انتشار پیدا کند. این در شرایطی است که اوضاع خاورمیانه به شدت بحرانی است، در عراق، افغانستان، لبنان، فلسطین، و ایران متهم به دخالت جدی در این ناآرامی‌ها است. هدف از این نامه چه می‌تواند باشد و چه تأثیری در افکار عمومی آمریکا تحت چنین شرایطی داشته باشد؟

هوشنگ امیراحمدی: الان برای آمریکایی‌ها چندتا مسئله‌ی اساسی هست، یکی همین که گفتید، اینکه ایران دارد در عراق و افغانستان بر علیه آمریکا خرابکاری می‌کند و این مردم آمریکا را بسیار نگران کرده، چون بچه‌هایشان آنجا دارند کشته می‌شوند. من فکر می‌کنم اگر آقای احمدی‌نژاد بتواند در این نامه متنی را بنویسد که این نگرانی آمریکایی‌ها را بر طرف بکند یا حداقل در آنها شکی ایجاد نکند، خوب، مثبت خواهد بود.

دویچه‌وله: با توجه به سرسختی رهبران ایران و آمریکا بر مواضع شان، آیا راه‌حل مدنظر گروه مطالعات خاورمیانه و پیشنهاد بیکر برای مذاکره با ایران و سوریه روزنه‌ای را می‌تواند باز کند؟

هوشنگ امیراحمدی: بستگی به این دارد که دوطرف چقدر به وخامت این وضعیت توجه داشته باشند. وضعیت بین ایران و آمریکا، وضعیت آمریکا در خاورمیانه، بخصوص در عراق، بسیار وخیم است و هر چه این وضعیت وخیم‌تر بشود، همانقدر مشکلات ایران و آمریکا خطرناک‌تر و حل‌اش نیز مشکل‌تر می‌شود. اولین اتفاقی که باید بیافتد این است که واقعا بین سوریه و ایران تفاوت قائل شد. هرکدام از این کشورها برای خودشان یک نفوذ متفاوتی در عراق دارند و هدفهای متفاوتی را دنبال می‌کنند. و بنابراین، من امیدوارم که پیشنهاد آقای بیکر به این واقعیت توجه داشته باشد و سوریه و ایران را در یکجا نگذارد. اصولا به نظر من باید آمریکا با سوریه و ایران با هم سر عراق مذاکره نکنند، بلکه جدا مذاکره کنند. همانگونه که در گذشته هم تجربه ثابت کرده است، اگر این مذاکرات فقط روی حل مشکل عراق بین ایران و آمریکا اتفاق بیفتد، برای رابطه‌ی ایران و آمریکا چیز مثبتی به ارمغان نخواهد آورد، و نه تنها به ارمغان نخواهد آورد، بلکه می‌تواند مشکل‌زا هم باشد. ما دیده‌ایم در گذشته که ایران با آمریکا سر افغانستان یا جاهای دیگر همکاری کرده، ولی در تحلیل نهایی نه فقط مشکل بین ایران و آمریکا حل نشده که مشکل چند برابر هم شد.

در مورد عراق این قضیه می‌تواند خیلی حساس‌تر باشد. صرف اینکه ایران آماده شده سر عراق با آمریکا مذاکره کند، معنایش این است که ایران قبول کرده در عراق نفوذ دارد و می‌تواند کاری بکند. بنابراین اگر اتفاقی نیفتد، معنایش این خواهد شد که ایران نخواسته کمکی بکند و این بسیار برای ایران خطرناک است. من شنیده‌ام، مثلا ایران دارد به آمریکا می‌گوید ما حاضریم در عراق به شما کمک کنیم، به شرطی که شما حق ما را برای غنی‌سازی بپذیرید و چندتا کار دیگر هم انجام بدهید، من جمله دارایی‌های ما را آزاد کنید یا از این حرفها. این نوع شرط‌بندی‌ها سر عراق بسیار بسیار برای ایران خطرناک است. ایران با بد بگوید من برای عراق مذاکره نمی‌کنم، چون نفوذی در عراق ندارم و یا اینکه مذاکره می‌کنم با تو، سعی می‌کنم کمکت کنم، با وجود اینکه قدرت من محدود است آنجا، ولی در عین حال نمی‌خواهم فقط مذاکره روی عراق تأکید کند. می‌خواهم مسائلی خود ما هم، یعنی مسائلی ایران و آمریکا، آنجا مطرح بشود. این است که می‌تواند روزنه‌ای باشد. ولی در عین حال همین روزنه اگر باز شود و وارد مرحله‌ی اجرا بشود، می‌تواند برای ایران بسیار بسیار خطرناک باشد.

دویچه‌وله: آیا آمریکا قادر هست با همکاری کشورهای عرب منطقه نظیر مصر، عربستان، اردن و کشورهای که مخالف نفوذ ایران هستند، راهی پیدا کند که ایران را سر میز مذاکره بیاورد؟

هوشنگ امیراحمدی: آمریکا دارد در واقع با دو پا در خاورمیانه جلو می‌رود. از یکطرف دارد منطقه و دنیا را علیه ایران سازمان می‌دهد، از طرف دیگر هم به ایران پیشنهاد مذاکره برای حل مشکلاتی می‌کند که خود آمریکا و نه لزوماً ایران، در منطقه دارد؛ من جمله در رابطه با عراق و حزب‌الله لبنان. ایران با بد به این سیاست توجه داشته باشد و سعی کند که خودش را اولاً از دنیای عرب بی‌زوله نکند. متأسفانه ایران با دنیای عرب و مصر - بزرگترین‌شان در این حوزه‌ها - هیچ رابطه‌ای ندارد و حسنی مبارک هم این اواخر شدیداً علیه افزایش جنبش شیعه در منطقه هشدار داده و اردن و عربستان هم به همین طریق. این است که الان مسئله‌ی ایران دارد تبدیل می‌شود به مسئله‌ی شیعه علیه سنی و این بسیار بسیار برای ایران خطرناک است و همینطور برای منطقه. چون اگر بخواهند به جریان شیعه علیه سنی دامن بزنند، این می‌تواند باعث یک درگیری وسیع منطقه‌ای بشود که در تحلیل نهایی بازنده‌اش ایران و شیعه‌ها خواهند بود، برای اینکه شیعه‌ها هنوز نه آن قدرت مالی، نه قدرت نظامی و نه آن قدرت سیاسی را دارند که بخواهند در مقابل یک هجوم وسیع سنی مقاومت کنند و ایران کم‌رشد می‌تواند به سرعت بشکند، مخصوصاً که آمریکا در این دعوا حتماً طرف سنی‌ها خواهد بود.

دویچه‌وله: آقای امیر احمدی، وضع ایران از لحاظ دیگر هم چندان مطلوب نیست. این کشور

دچار معضلات اقتصادی عدیده است. آیا هیچ پیشنهادی برای رهبران ایران آن مزایایی را ندارد که دست از سرسختی در مقابل پیشنهاداتی که بهشان می‌شود بردارند؟

هوشنگ امیراحمدی: متأسفانه هیچوقت در رابطه ایران و آمریکا و برای حل مشکل ایران و آمریکا، جمهوری اسلامی در مجموع ننشسته منافع ملی ایران و منافع ملت ایران را جلویش بگذارد و بر اساس آن حل یا عدم حل مشکل با آمریکا را ارزیابی کند. تصادفاً در این مقطعی که داریم صحبت می‌کنیم ایران مسایل عدیده اقتصادی دارد و اگر قیمت نفت بالا نمی‌رفت و اگر این پول نفت نبود، به نظر من هم‌اکنون کمر دولت آقای احمدی‌نژاد شکسته شده بود. برای همین هم هست که سعی می‌کند تا جایی که پول نفت اجازه می‌دهد و تا جایی که می‌تواند مانور بدهد، مسئله‌ی هسته‌ای را بعنوان یک مسئله ملی، ولی ملی- جناحی، ارزش استفاده کند برعلیه نیروهای دیگر. یعنی در واقع احساس دولت آقای احمدی‌نژاد این است که اگر با آمریکا سر مسئله‌ی هسته‌ای سازشی نکند، قدرت جناح‌اش در داخل کشور علیه جناح‌های دیگر بیشتر خواهد شد. به همین دلیل هم این بازی، بازی‌ست سیاسی و به نظر من با منافع ملی ایران هیچ رابطه‌ای ندارد و با منافع و مصالح ملت هم که مصالح‌اش بیشتر اقتصادی و اجتماعی است ربطی ندارد. یعنی حتی اگر ایران فردا بمب هم داشته باشد، تنها یک کشور دارای بمب خواهد بود که هیچ ارزشی ندارد. ایران می‌خواهد کره شمالی بشود، ایران باید بخواهد کره جنوبی بشود. کره جنوبی بمب ندارد، ولی دنیا را اسیر کرده و دارد می‌کند. کره شمالی بمب دارد و دارد بمب می‌سازد، اما هیچ غلطی هم نکرده و آنجا نشسته مثل یک کشور فقیر با ملت بسیار فقیر و عقب‌مانده و یک روزی هم ازهم می‌پاشد.